

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۶

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال دوم

مقالات

- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی
- حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران
- مسؤلیت مدنی در قبال حوادث طبیعی (بررسی تطبیقی مبانی، محدودیت‌ها و رویه قضایی با تأکید بر زلزله)
- فسخ قرارداد کار در حقوق ایران پیش و پس از تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری
- اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر
- سیستم اطلاعاتی مطمئن در قانون تجارت الکترونیکی
- رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی: بررسی نظریات دولت‌ها در قضیه کوزوو
- ملاحظاتی بر شورای قانون اساسی فرانسه
- «رفتار عادلانه و منصفانه» دولت میزبان با پیمانکاران خارجی
- غرامت در دعاوی ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی (غیر از سلب مالکیت)
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و منابع طبیعی مشترک

موضوع ویژه: حقوق نفت و گاز در نظام ملی و بین‌المللی

- چرا حقوق نفت و گاز؟
- پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت
- ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت
- شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران
- مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحد آمریکا
- حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن

نقد و معرفی

- تأملی انتقادی بر لایحه «آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»
- نقد و ارزیابی طرح نمایندگان مجلس جهت انتقال و دوره‌ای کردن مقر سازمان ملل متحد
- اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_41640.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۸۸
صفحات ۹۵ الی ۱۲۱، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۱۵

اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر

حوریه حسینی اکبرنژاد*

چکیده: بر طبق بند اول ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌های عضو در قبال کلیه افراد واقع در قلمرو سرزمینی و تحت صلاحیت خود متعهد به احترام و تضمین کلیه حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق می‌باشند. در تفسیری که از این ماده ارائه شده، دولت‌ها در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت خود ولو اینکه در خارج از قلمرو سرزمینی آنها باشند، متعهد خواهند بود. رویه قضایی کمیته حقوق بشر حاکی از آن است که ارائه تفسیری از میثاق که بر اساس آن دولت‌های عضو هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال نقض میثاق در سرزمین دولت دیگر نداشته باشند در حالی که در قبال انجام همان اقدام در خاک کشور خود مسئول قلمداد شوند، نامعقول و خلاف وجدان خواهد بود. بنابراین اجرای فراسرزمینی میثاق در رویه کمیته حقوق بشر تحت شرایطی به رسمیت شناخته شده است.

کلیدواژه‌ها: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، صلاحیت، کمیته حقوق بشر، اجرای فراسرزمینی، حقوق بشر

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بشر از دانشگاه تهران Email: hooriehhosseini@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده با عنوان «اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری» است که در خرداد ۱۳۸۷ با راهنمایی آقای دکتر سیدعلی سادات اخوی و مشاوره آقای دکتر امیرحسین رنجبریان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران از آن دفاع شده است.

مقدمه

تعهد دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته شده در این سند صرفاً محدود به شهروندان یا اتباع آنها نمی‌شود، بلکه این دولت‌ها باید برخورداری از این حقوق را برای تمامی افراد تحت صلاحیت و تحت حاکمیت خود، صرف‌نظر از تابعیت و ملیت آنها اعم از افراد بی‌تابعیت، پناهندگان، اتباع بیگانه و کارگران مهاجر تضمین نمایند.^۱ کمیته حقوق بشر این مسأله را به گونه‌ای تفسیر نموده که بر اساس آن افراد می‌توانند حتی اگر در زمان طرح شکایت تحت صلاحیت دولت طرف دعوا قرار نداشته باشند، علیه آن دولت اقدام به طرح شکایت نمایند، مشروط به اینکه در زمان وقوع نقض تحت صلاحیت دولت مزبور بوده باشند.^۲ مطابق با بند اول ماده (۲) میثاق قلمرو اعمال میثاق محدود به قلمرو تحت صلاحیت دولت‌های عضو شده، بنابراین تبیین مفهوم «صلاحیت» و شرایط اعمال فراسرزمینی صلاحیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و با مباحث ما در این زمینه ارتباط تنگاتنگ دارد.^۳

«صلاحیت» به اقتدار و اختیار دولت مرکزی یک کشور اطلاق می‌گردد که منجر به اعمال قوای عمومی و حاکمیت بر افراد واقع در قلمرو سرزمینی آن کشور می‌شود. اعمال صلاحیت از جانب دولت‌ها دارای ابعاد مختلفی است به طور نمونه می‌توان به صلاحیت قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی دولت‌ها اشاره نمود. به رغم اینکه دولت‌ها علی‌القاعده در حیطه قلمرو سرزمینی خود مجاز به اعمال صلاحیت می‌باشند، در مواردی بر طبق حقوق بین‌الملل اعمال فراسرزمینی صلاحیت از جانب دولت‌ها نیز به رسمیت شناخته شده است.^۴ مسأله حائز اهمیت در خصوص اعمال فراسرزمینی صلاحیت از جانب دولت‌ها آن

1. S. Joseph, J. Schultz & M. Castan, *The International Covenant on Civil and Political Rights: Cases, Materials and Commentary*, Oxford, Oxford University Press, 2nd ed., 2005, p. 83.

۲. در قضیه Massioti به رغم اینکه خواهان پرونده در سوئیس اقامت داشته، اقدام به طرح شکایت علیه دولت اروگوئه نموده، کمیته نیز از آنجایی که احراز نموده خواهان در زمان وقوع نقض تحت صلاحیت این دولت بوده، پرونده را قابل پذیرش اعلام کرده و تأکید نموده است که وضعیت فعلی خواهان هیچ تأثیری در امکان طرح شکایت ندارد. (Massioti and Baritussio v. Uruguay, UN Doc. A/37/40, 187)

3. Dominick McGoldrick, "Extraterritorial Application of the International Covenant on Civil and Political Rights", in Fons Coomans and Menno T. Kamminga, *Extraterritorial Application of Human Rights Treaty*, Antwerp, Intersentia, 2004, p. 41.

۴. به عنوان نمونه می‌توان به قوانین لازم‌الاتباع در خصوص اتباع مقیم در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان اشاره

است که این اعمال صلاحیت نباید منجر به مداخله در اعمال حاکمیت دولت سرزمینی شود. به طور کلی گفته می‌شود که بر طبق حقوق بین‌الملل صلاحیت دولت‌ها قاعداً ناظر بر اقدامات به عمل آمده در قلمرو سرزمینی آنها می‌باشد و اعمال فراسرزمینی صلاحیت نیز استثنائاً در مواردی بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای به رسمیت شناخته شده است.^۵

مبحث نخست: تبیین قلمرو

اعمال میثاق بر مبنای تفسیر مفهوم «صلاحیت»

بر طبق بند اول ماده ۲ میثاق دولت‌های عضو متعهد هستند که حقوق به رسمیت شناخته شده در این سند را در قبال کلیه افراد واقع در قلمرو سرزمینی و تحت صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تبعیضی از هر حیث محترم شمرده و تضمین نمایند.^۶ عبارات «واقع در قلمرو سرزمینی» و «تحت صلاحیت» باید در راستای تفسیر تعهدات ماهوی دولت‌ها بر طبق میثاق تفسیر شود.^۷ رویه کمیته حاکی از آن است که ارائه تفسیری از میثاق که بر اساس آن دولت‌های عضو هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال نقض فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری نداشته باشند، نامعقول و خلاف وجدان خواهد بود.^۸

الف) معنای عادی و متداول اصطلاحات

در اجرای هر معاهده بین‌المللی غالب اختلافات و تعارضات معلول ارزیابی دولت‌ها و

نمود. همچنین سفارتخانه‌ها نیز به منزله خاک کشورها قلمداد شده و لذا قلمرو تحت صلاحیت دولت‌ها است و کلیه افراد واقع در آنها و تمامی اقدامات صورت پذیرفته در آنها به رغم آنکه در خارج از قلمرو سرزمینی دولت‌ها می‌باشد، تحت صلاحیت آنها تلقی می‌شود.

Antonio Cassese, *International Law*, Oxford, Oxford University Press, 2nd ed., 2005, p. 49.

5. *Ibid*, pp. 50-1.

6. کمیته حقوق بشر در قضیه Lopez Burgos تصریح نموده بر طبق این ماده دولت‌ها عضو متعهد به تضمین رعایت و احترام به حقوق مندرج در میثاق نسبت به تمامی افراد واقع در قلمرو سرزمینی‌شان و یا کلیه افراد تحت حاکمیت و صلاحیت خود می‌باشند. از این ماده بر نمی‌آید که دولت‌ها در قبال اقدامات فراسرزمینی مأموران و نمایندگان خود هیچ مسئولیتی ندارند. نک:

HRC, Lopez Burgos v. Uruguay, (Comm. no. 52/1979), Views of 29 July 1981, para. 12.

7. McGoldrick, *op. cit.*, p. 46.

8. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, pp. 88-9.

مراجع بین‌المللی از اصطلاحاتی است که معاهده با آن ساخته و پرداخته شده است.^۹ بر طبق کنوانسیون حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری اول همانند هر معاهده بین‌المللی دیگر، باید با حسن نیت و بر اساس معانی متداول اصطلاحات^{۱۰} و در راستای هدف و موضوعی که برای نیل به آن انعقاد یافته، تفسیر شود. منظور از معنای عادی و متداول، معنایی است که در زمان انعقاد معاهده رایج بوده، نه آن معنایی که بر اثر تحولات اجتماعی پدیدار شده است.^{۱۱} با توجه به اینکه مفهوم «صلاحیت» نیز دارای معانی متفاوتی می‌باشد،^{۱۲} باید دید که قصد و نیت طرفین معاهده از این واژه چه بوده است.

۱- بند اول ماده ۲ میثاق

تعهد مندرج در ماده ۲ ناظر به تمامی افراد واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها و نیز کلیه افراد «تحت صلاحیت» دولت‌ها می‌باشد.^{۱۳} در خصوص واژه «و» مندرج در این بند از ماده ۲ ممکن است دو تفسیر مطرح باشد، اول اینکه افراد برای انتفاع از حقوق مندرج در میثاق باید در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو و تحت صلاحیت آنها واقع باشند، بدین معنا که تحقق دو شرط مذکور به صورت توأمان ضروری است.^{۱۴} تفسیر دیگر اینکه بر طبق بند

۹. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۰.
 ۱۰. تفسیر معاهدات باید مطابق با مفاهیم عادی و طبیعی که به اصطلاحات آنها در سیاق عبارات داده می‌شود، صورت گیرد (بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق معاهدات وین)، مگر آنکه محرز شود قصد طرفین این بوده که معنای خاصی از یک اصطلاح مستفاد شود. در این صورت همان معنای خاص را خواهد داشت (بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون مذکور) (محمدرضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹).

۱۱. هدایت‌الله فلسفی، پیشین، صص ۳-۴۵۲.

12. *Websters New World Dictionary of the American Language*, 1968, gives five meanings: 'administration of justice, authority or legal power to hear or decide a case', 'authority or power in general', 'the range of authority', 'the territorial range of authority', 'a law court of system of law courts'.

۱۳. به طور نمونه دولت‌ها در مورد اتباع خود، اعم از حقیقی و حقوقی و همچنین اسباب و وسایلی که به نام او ثبت گردیده است، در خارج از سرزمین خود، چه در مناطقی که تحت حاکمیت هیچ دولتی قرار ندارد و چه در سرزمین یک کشور دیگر و یا مناطق تحت حاکمیت آنها دارای صلاحیت‌ها و اختیاراتی هستند که می‌توانند آنها را اعمال نمایند. (عباس تدینی، *حقوق بین‌الملل عمومی* (۱ و ۲)، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

۱۴. این تفسیر ممکن است بر طبق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین (۱۹۶۹) معارض با هدف و موضوع میثاق تلقی شود و بر طبق ماده ۳۳ همان کنوانسیون نامعقول به نظر برسد. McGoldrick, *op. cit.*, p. 48.

یک ماده ۲ دولت‌ها در قبال تمامی افرادی که در قلمرو سرزمینی آنها هستند، همچنین نسبت به تمامی افرادی که تحت صلاحیت آنها قرار دارند، ولو آنکه در سرزمین آنها نباشند، متعهد می‌باشند.^{۱۵}

تفسیر اول قطعاً تحت‌اللفظی و بر طبق معانی معمول عبارات می‌باشد.^{۱۶} اما تفسیر دوم مستلزم آن است که واژه «و» مندرج در این ماده را به واژه «یا» تفسیر نماییم، بنابراین دو عبارت مذکور را کاملاً از هم جدا و منفصل قلمداد کرده‌ایم.^{۱۷} به طور کلی می‌توان گفت حقوق بشر دولت‌های عضو را به موجب ماده ۲ میثاق ملزم به احترام و تضمین حقوق افراد واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها و افراد تحت صلاحیت آنها کرده است. بدین معنا که یک دولت عضو باید حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته در میثاق را نسبت به هر کس که تحت سلطه و کنترل مؤثر آن می‌باشد، ولو در خارج از قلمرو سرزمینی خود تضمین نماید. بنابراین ضابطه اعمال شده توسط کمیته در خصوص اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ملاک اعمال «کنترل مؤثر» می‌باشد. برخی از مواردی که افراد در خارج از قلمرو سرزمینی دولت‌ها تحت کنترل مؤثر دولت‌ها قلمداد می‌شوند و لذا دولت‌ها در قبال نقض تعهدات حقوق بشری خود نسبت به آنها دارای مسئولیت می‌باشند، عبارتند از:

۱- سفارتخانه‌ها: هر اقدامی که در سفارتخانه یک دولت انجام می‌شود منتسب به آن دولت است. بنابراین اگر به طور مثال در سفارتخانه فرانسه در خاک کشور دیگر نقض میثاق صورت پذیرد، دولت فرانسه در قبال نقض تعهدات حقوق بشری خود در آن سرزمین مسؤول خواهد بود.

۲- کشتی‌های دارای پرچم، تابعیت کشور صاحب پرچم را دارا هستند و تحت صلاحیت و کنترل مؤثر آن دولت قلمداد می‌شوند.

۳- هواپیماها تابعیت کشور محل ثبت را دارند و هرگونه نقض حقوق بشر در هواپیما منتسب به کشور متبوع آن می‌باشد.

۴- نیروهای نظامی یک دولت که در عملیات بین‌المللی حفظ صلح در خارج از خاک

15. *Ibid.*

۱۶. محدود نمودن تفسیر به شیوه تحت‌اللفظی و در نتیجه قائل شدن به عدم مسئولیت دولت‌ها در قبال اقداماتی که در خارج از قلمرو سرزمینی خود مرتکب می‌شوند، در عمل ممکن است منجر به نتایج و آثار غیرمعقول و نه چندان مطلوب شود. (Lopez Burgos v. Uruguay, 1981, para. 12.3)

17. McGoldrick, *op. cit.*, p. 49.

آن کشور به ایفای مأموریت می‌پردازند، تحت کنترل مؤثر آن می‌باشند.^{۱۸} نکته حائز اهمیت اینکه در اعمال ضابطه «کنترل مؤثر» تابعیت افراد نقشی ندارد، بنابراین استیفا و بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در میثاق محدود به اتباع دولت‌های عضو نمی‌شود.^{۱۹} علاوه بر بند اول ماده ۲ میثاق، بند ۳ همان ماده نیز صراحتاً بر اجرای فراسرزمینی میثاق توسط دولت‌های مسؤول اداره سرزمین‌های خودمختار و تحت قیمومت تصریح می‌کند.^{۲۰}

۲- ماده ۱ پروتکل اختیاری اول

بر طبق ماده اول پروتکل اختیاری اول، فقط افرادی حق طرح شکایت در کمیته را دارند که تحت صلاحیت دولت‌های عضو واقع باشند. در این ماده هیچ شرطی در خصوص لزوم حضور افراد در قلمرو سرزمینی دولت‌ها مطرح نشده است.^{۲۱} معنای عادی و متداول باید در چارچوب هدف و موضوع میثاق و پروتکل اول در نظر گرفته شود.

هدف از تدوین ماده ۱ پروتکل اول اعلام صلاحیت کمیته در دریافت و رسیدگی به شکایت افرادی است که قربانی نقض حقوق مندرج در میثاق توسط یکی از دولت‌های عضو شده‌اند و رسالت اصلی این پروتکل ایجاد زمینه جهت تحقق دادخواهی فردی در خصوص رسیدگی به وضعیت قربانیان نقض حقوق بشر توسط دولت‌های عضو میثاق می‌باشد.

ب) کارهای مقدماتی تدوین و تصویب میثاق

ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین در خصوص شیوه‌های تکمیلی تفسیر مقرر

18. ICCPR, General Comment no. 31, paras 9-11.

19. *Ibid*, para. 10.

۲۰. بند ۳ ماده ۲ میثاق مقرر می‌کند: «دولت‌های عضو این میثاق از جمله دولت‌های مسؤول اداره سرزمین‌های غیرمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خود مختاری ملل را تسهیل و احترام به این حق را بر طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.»

۲۱. ماده یک پروتکل اختیاری اول مقرر می‌کند: «هر کشور طرف میثاق که طرف معاهده این پروتکل شود، صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایت‌های افراد تابع صلاحیت خود که مدعی هستند قربانی نقض هر یک از حقوق مذکور در میثاق از طرف آن کشور شده‌اند، به رسمیت می‌شناسد. کمیته هیچ شکایتی مربوط به یک کشور طرف میثاق را که عضو پروتکل نیست، نمی‌پذیرد.»

می‌کند که یکی از منابع تفسیر، اقدامات مقدماتی^{۲۲} می‌باشد که در راستای تدوین و تصویب معاهدات صورت پذیرفته است.^{۲۳}

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در سال ۱۹۵۴ کار خود در خصوص تدوین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به پایان رسانید. دبیر کل وقت سازمان ملل در بیانات در خصوص تدوین میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر با مد نظر قرار دادن مفاد ماده ۲ میثاق تصریح نموده است:

«بحث‌ها و مذاکرات فراوانی در خصوص قابل قبول بودن عبارت «تحت صلاحیت» دولت‌ها صورت گرفته است. هدف عمده از این ماده آن است که دولت‌ها نتوانند از ایفاد تعهدات حقوق بشری در قلمرو تحت صلاحیت خود، امتناع ورزند، صرف نظر از اینکه آیا افراد مورد نظر در قلمرو سرزمینی‌شان حضور داشته‌اند یا خیر. به طور نمونه دولت‌های عضو باید برای اتباع خود حق تشکیل و پیوستن به اجتماعات را به رسمیت بشناسند، حتی در صورتی که در خارج از قلمرو سرزمینی آنها به سر ببرند...»^{۲۴}

اظهارات دبیرکل به خوبی نشان می‌دهد که در برخی مواقع به منظور تحقق حمایت از افراد در برابر نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جانب دولت‌های عضو باید عبارات «واقع در قلمرو سرزمینی» و «تحت صلاحیت دولت‌ها» جدا از یکدیگر مفروض دانسته شود.^{۲۵}

در زمان بررسی پیش‌نویس میثاق در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد،^{۲۶} نمایندگان برخی کشورها، ابهامات ناشی از عبارت «واقع در قلمرو سرزمینی» را مد نظر قرار دادند و نهایتاً حذف نمودن آن را پیشنهاد کردند که البته نهایتاً پذیرفته نشد.^{۲۷} مهم‌ترین

۲۲. کارهای مقدماتی معمولاً شامل صورتجلسه مذاکرات و مباحثات کنفرانس و کمیسیون‌های بین‌المللی مربوط به انعقاد معاهده، پیش‌نویس و طرح اولیه معاهده و مکاتبات رسمی کشورها در جریان انعقاد معاهده است (محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۱۲۰).

23. McGoldrick, *op. cit.*, p. 66.

24. UN Doc. A/2929, Ch. V, para. 4 (1955).

25. McGoldrick, *op. cit.*, p. 80.

۲۶. برای مطالعه بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به:

Third Committee of the General Assembly, see UN Doc. A/C.3/SR. 1257-1259.

۲۷. بنا به درخواست چین و فرانسه در خصوص عبارت «واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها» رأی‌گیری جداگانه‌ای صورت گرفته که نهایتاً این عبارت با رأی موافق ۵۵ کشور در مقابل ۱۰ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع به تصویب رسید. پروتکل اختیاری اول نیز در سال ۱۹۶۶ خیلی سریع به تصویب رسید. ماده اول این پروتکل با ۵۷ رأی

دلیل مطرح شده نیز این بوده که عبارت «تحت صلاحیت» به تنهایی کافی است، برای آنکه نشان دهد تضمینات مندرج در میثاق ناظر به افرادی است که تحت صلاحیت سرزمینی یا شخصی دولت‌های عضو قرار دارند. ابقای عبارت «واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها» می‌تواند در عمل منجر به تحدید اجرای حقوق معینی از میثاق شود، به طور نمونه در مورد حق دسترسی به محاکم عادلانه دولت متبوع، افراد صرف‌نظر از محل اقامت خود، همواره از این حق برخوردارند.^{۲۸}

مبحث دوم: تعهدات

حقوق بشری دولت‌ها خارج از خاک آنها

دولت‌ها در قبال اقدامات مأموران و نیروهای تحت حاکمیت و کنترل مؤثر خود که در خارج از قلمرو سرزمینی آنها به ایفای مأموریت می‌پردازند، مسؤول تلقی می‌شوند.^{۲۹} روند رو به رشد جهانی شدن در دوران معاصر منجر به تحولاتی در نظام حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دولت‌ها شده است. به رغم اینکه برخی مفسران این رویداد را مفید قلمداد می‌کنند، لیکن در این میان نمی‌توان از برخی تعارضات و وقایع تأسف‌انگیز در عرصه بین‌المللی چشم‌پوشی نمود. به طور نمونه می‌توان به اشکال معاصر استعمار ابرقدرت‌ها جهت دستیابی به منابع و ثروت‌های طبیعی کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه، اشغال نظامی سرزمین‌ها و اعمال سلطه بر افراد و اموال و استثمار و به کارگیری اجباری نیروی کار و صدها رخداد نامیمون دیگر اشاره نمود^{۳۰} و همین امر ضرورت مسؤولیت دولت‌ها در قبال اقدامات فراسرزمینی نیروهای تحت کنترل را بیش از پیش نشان می‌دهد.

الف) اشغال نظامی

اشغال یک سرزمین خارجی، وضعیتی است که تدوین‌کنندگان میثاق در زمانی که در صدد تعیین دامنه و قلمرو اجرای این معاهده حقوق بشری بوده‌اند، در نظر داشته‌اند. دولت‌های عضو متعهد به تضمین اجرای مفاد میثاق در سرزمین تحت حاکمیت و تحت کنترل مؤثر

موافق و یک رأی مخالف و ۲۰ رأی ممتنع به تصویب رسید. UN Doc. A/6546, paras. 568-593, 1966.

28. UN Doc. A/5655. Ch. II, paras. 1-36.

29. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 91.

30. Emmanuël Jouannet, "Universal and Imperialism: The True-False Paradox of International Law?", *European Journal of International Law*, vol. 18, no. 3, 2007, p. 386.

خود می‌باشند. به طور نمونه، کمیته در ملاحظات و گزارش‌های خود تأکید کرده که اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین متعهد به ایفای تعهدات خود بر طبق میثاق می‌باشد.^{۳۱}

کمیته در این رابطه تصریح نموده به رغم اینکه دولت‌ها در وهله نخست متعهد به تضمین رعایت حقوق و آزادی‌های افراد بر طبق میثاق، در قلمرو سرزمینی خود می‌باشند، لیکن این امر مانع از اعمال فراسرزمینی میثاق در مناطق تحت اشغال دولت‌های عضو نخواهد بود.^{۳۲} همچنین حاکم بودن نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه منافاتی ندارد با اجرای بند اول ماده ۲ که متضمن مسؤولیت دولت‌ها در خصوص اقدامات فراسرزمینی‌شان می‌باشد و تحت چنین شرایطی اجرای میثاق باید در راستای جلب منافع مردم واقع در سرزمین‌های اشغالی باشد و بر طبق اصول حقوق بین‌الملل عمومی دولت‌ها در قبال اقدامات خود در سرزمین‌های اشغالی دارای مسؤولیت است.^{۳۳}

کمیته حقوق بشر سال ۲۰۰۳ متعاقب نقض گسترده حقوق بشر افراد توسط رژیم اشغالگر اسرائیل، عمده تأکید خود را بر این قرار داده که در شرایط موجود در سرزمین‌های اشغالی، باید میثاق به منظور حمایت از جمعیت ساکن در سرزمین‌های اشغالی اجرا گردد و اسرائیل در قبال اقدامات به عمل آورده در این سرزمین که منجر به حقوق مندرج در میثاق شده، دارای مسؤولیت است.^{۳۴} البته کمیته در مواقعی که اعمال کنترل بر سرزمین‌های اشغالی به نحوی به نیروهای فلسطینی منتقل شده، اسرائیل را مسؤول ندانسته است.^{۳۵} از آنجایی که در صورت اشغال نظامی یک سرزمین توسط نیروهای خارجی، دولت‌ها امکان اعمال کنترل و حاکمیت بر تمام یا بخشی از قلمرو سرزمینی خود را از دست می‌دهند،^{۳۶} مسلماً نمی‌توان از دولت‌های مذکور انتظار داشت، تحت چنین شرایطی تعهدات

31. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 87.

32. بر طبق قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله مواد ۴۶ و ۴۷ مقررات لاهه، شرافت، حیثیت، ناموس، حقوق خانوادگی، زندگی خصوصی، اعتقادات مذهبی، آزادی‌های فردی و مالکیت خصوصی افراد غیرنظامی ساکن در سرزمین‌های اشغالی مصون از هرگونه تعرض از جانب دولت اشغالگر است (محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۲۲۰).

33. Concluding Observations on Israel (1999), UN Doc, CCPR/C/79/ Add. 93, para. 10.

34. Concluding Observations of the Human Rights Committee on Israel, UN Doc. CCPR/CO/78/ISR, 5 August 2003, para. 11.

35. T. Meron, "Application of Multilateral Covenant to Occupied Territories", *American Journal of International Law*, vol. 72, 1978, pp. 542-57.

36. Alastair Mowbray, *European Convention on Human Rights*, Oxford, Oxford University Press, Second ed., 2007, p. 63.

تعهدات حقوق بشری را در قبال کلیه افراد واقع در قلمرو سرزمینی خود به طور کامل ایفا نمایند.^{۳۷}

کمیته حقوق بشر نیز در ملاحظات نهایی خود در خصوص گزارش‌های دولت‌های عضو از جمله قبرس^{۳۸} و مولداوی^{۳۹} به این واقعیت توجه داشته است. با وجود این کمیته همواره از تمایل دولت‌ها جهت رفع بحران‌ها و تثبیت وضعیت پیش آمده و در نتیجه تحقق مسئولیت کامل آنها بر طبق میثاق استقبال کرده است.^{۴۰} در دومین گزارش دوره‌ای لبنان نیز تصریح شده که منطقه جنوب لبنان خارج از حیطه کنترل این دولت می‌باشد.^{۴۱} کمیته حقوق بشر در ملاحظات نهایی خود پیرامون گزارش این دولت با اشاره به وقوع مخاصمات در لبنان در فواصل سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰، تخریب بخش عمده‌ای از زیرساخت‌های اساسی کشور، نقض فاحش حقوق بشر و همچنین رکود و مشکلات اقتصادی را در این کشور مورد تأیید قرار داده است و در نتیجه اذعان نموده منابعی که باید به تضمین رعایت حقوق بشر و ایفای تعهدات این دولت بر طبق میثاق اختصاص داده شود، محدود شده است. کمیته با استناد به اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، دولت لبنان را در سال ۱۹۹۷ در قبال نقض تعهدات حقوق بشری در این منطقه مسئول ندانسته است.^{۴۲}

کمیته حقوق بشر در ملاحظات نهایی خود در خصوص گزارش دولت کرواسی در

۳۷. در طول مدت اشغال، حاکمیت کشور اشغال شده قابل اعمال نیست و تا زمان رفع آثار اشغال به حالت تعلیق در می‌آید. در این مدت، دولت اشغالگر عملاً و به طور موقت و محدود به قائم مقامی کشور اشغال شده، سرزمین اشغالی را تحت اداره خویش قرار می‌دهد و نتیجتاً دارای برخی از صلاحیت‌ها در کشور تحت اشغال می‌شود (محمد رضا ضیایی بیگدلی، پیشین، صص ۱۱-۲۱۰).

۳۸. کمیته در ملاحظات نهایی خود پیرامون گزارش دولت قبرس در سال ۱۹۹۸ خاطر نشان کرده است که کمیته به این واقعیت توجه دارد که دولت قبرس متعاقب رخداد‌های ۱۹۷۴ و اشغال بخشی از سرزمین آن، هنوز هم در وضعیتی نیست که مبادرت به اعمال کنترل بر تمامی قلمرو سرزمینی خود بنماید. بنابراین دولت مذکور این امکان را ندارد که اجرای کامل میثاق را در سرزمین تحت صلاحیت خود، تضمین نماید.

(UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 88, para. 3.)

۳۹. کمیته در ملاحظات نهایی خود در خصوص گزارش دولت مولداوی در سال ۲۰۰۲، تصریح نموده به رغم اینکه اعمال حاکمیت و اعمال کنترل از سوی این دولت بر منطقه Transnistria با تحدیداتی مواجه شده است در هر صورت کمیته باید بر تعهدات دولت‌ها در راستای تضمین حقوق مندرج در میثاق در خصوص کلیه افراد تحت صلاحیت دولت‌های عضو نظارت نماید.

(UN Doc. CCPR/CO/75/MDA, para. 4.)

40. McGoldrick, *op. cit.*, pp. 50-1.

41. UN Doc. CCPR/C/42/ Add. 14, para. 11.

42. UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 78 (1997), paras. 4-6.

سال ۱۹۹۲، خاطرنشان کرده افرادی که در شرایط رقت‌باری در زندان‌های بوسنی و هرزگوین در بازداشت به سر می‌برند، تحت کنترل نیروهای ارتش کرواسی یا گروه‌های نظامی محلی کروات که قدرت و حاکمیت را به دست گرفته‌اند، قرار دارند و مسئولیت بین‌المللی دولت کرواسی در قبال اقدامات ارتش این کشور در خاک دیگر کشورها نیز به همانند قلمرو سرزمینی آن قابل تحقق است، بر همین مبنا تمامی اعضا و پرسنل ارتش باید به تعهدات خود بر طبق میثاق عمل نمایند.^{۴۳}

ب) عملیات حفظ صلح

تمامی دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد به تضمین حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده نسبت به تمامی افراد تحت حاکمیت و کنترل مؤثر خود می‌باشند، حتی اگر این افراد در خارج از قلمرو سرزمینی آنها واقع باشند. این اصل کلی بر افراد تحت کنترل مؤثر نیروهای نظامی کشورهای عضو نیز که در خارج از قلمرو سرزمینی خود به ایفای مأموریت می‌پردازند، از جمله عملیات بین‌المللی حفظ یا استقرار صلح تسری پیدا می‌کند.^{۴۴} بر همین مبنا دولت‌ها در قبال اقدامات نیروها و مأموران خود که تحت عنوان نیروهای حافظ صلح در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان به ایفای وظایف رسمی می‌پردازند، مسؤول هستند.

بر طبق تفسیر کلی شماره ۳۱ دولت‌ها در قبال اقدامات نیروهای مسلح خود که در خارج از کشور مستقر هستند، مسؤول تلقی می‌شوند.^{۴۵} به طور نمونه می‌توان به نیروهای نظامی خارجی مستقر در کشور عراق در سال ۲۰۰۳ اشاره نمود.

کمیته در خصوص وضعیت کرواسی در سال ۱۹۹۲، خاطرنشان کرده که این دولت تنها امکان اعمال کنترل بر سه چهارم از قلمرو سرزمینی‌اش را دارا بوده و مابقی خاک این کشور تحت کنترل نیروهای بین‌المللی حافظ صلح (UNPROFOR) بوده است.^{۴۶} همچنین کمیته در خصوص اقدامات نیروهای نظامی بلژیک در کشور سومالی که در بخش دوم عملیات ملل متحد در سومالی (UNOSOM II) مشارکت داشته‌اند، دولت بلژیک را در قبال

43. UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 15, paras. 7, 10.

44. ICCPR, General Comment no. 31, paras. 9-10.

45. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, pp. 90-1.

46. نماینده دولت کرواسی نیز با استناد به مداخلات مؤثر نیروهای نظامی خارجی در جریان امور این کشور، تأکید کرده که از جانب این دولت امکان اعمال کنترل بر خشونت‌های ضد اخلاقی علیه صرب‌ها وجود نداشته است، این دولت در قبال اقدامات مذکور هیچ مسؤولیتی ندارد. (UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 15, para. 6.)

قربانیان نقض تعهدات حقوق بشری بر طبق میثاق مسؤول دانسته است.^{۴۷} همچنین کمیته در ملاحظات خود به مسؤولیت دولت‌های عضو در قبال نقض حقوق بشر توسط نیروهای نظامی که در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان به ایفای وظایف محوله اشتغال دارند، اشاره نموده است. کمیته در این خصوص به مسؤولیت دولت هلند به انجام تحقیقات لازم در خصوص نیروهای حافظ صلح این کشور که در ژوئیه ۱۹۹۵ در بحران صربستان و بوسنی هرزگوین به اسارت درآمده‌اند، اشاره نموده است.^{۴۸} با توجه به گسترده شدن دامنه این اقدامات در دهه‌های اخیر - از جمله می‌توان به عملیات نظامی کشورها در خلیج فارس، بوسنی و هرزگوین و یوگسلاوی اشاره نمود - این مسأله از اهمیت زیادی برخوردار است. دولت‌هایی که عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هستند با استناد به تفسیر میثاق در مقام توجیه تعلیق تعهدات خود در چنین شرایطی برآمده‌اند.^{۴۹}

ج) دستگیری و بازداشت: قضیه Lopez Burgos

کمیته حقوق بشر در رویه خود این امر را نپذیرفته که افراد به صرف خارج شدن از قلمرو سرزمینی یک کشور، به طور کلی از حیطة تحت صلاحیت آن دولت خارج شده، بنابراین از حق طرح شکایت علیه آن در خصوص موارد نقض ارتكابی محروم می‌شوند.^{۵۰} در قضیه Lopez Burgos^{۵۱} کمیته صلاحیت خود در رسیدگی به پرونده‌ای را به رسمیت

۴۷. در کشور بلژیک در حدود ۲۷۰ پرونده به منظور تحقیق و تفحص پیرامون موارد نقض حقوق بشر توسط نیروهای نظامی این کشور در سومالی تشکیل شده ولی متأسفانه تاکنون هیچ اطلاعات یا اخباری در خصوص نتایج تحقیقات به عمل آمده و رسیدگی‌های قضایی انجام شده به کمیته ارائه نشده است.

UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 99, para. 14.

۴۸. کمیته خاطر نشان کرده در حوادثی اینچنین مهم و حائز اهمیت که تعهدات دولت‌های عضو مرتبط با حق حیات افراد می‌باشد، اقدامات دولت‌ها باید از سرعت عمل و جامعیت بیشتری برخوردار باشد، همچنان که در مواد ۲ و ۶ میثاق نیز مورد اشاره قرار گرفته است. دولت هلند باید هر چه سریعتر تحقیقات لازم را به عمل آورده و نتایج یافته‌های خود را علناً اعلام نماید و اقدامات کیفری یا انضباطی مقتضی جهت به کیفر رساندن افراد مسؤول و مقصر را به عمل آورد.

(UN Doc. CCPR/Co/72/NET (2001), para. 8.)

۴۹. McGoldrick, *op. cit.*, p. 66.

۵۰. *Ibid*, p. 57.

۵۱. خواهان در این قضیه اذعان نموده که همسر وی در ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۶ در بوئنوس آیرس توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دولت اروگوئه که از سوی گروه‌های شبه نظامی آرژانتین پشتیبانی می‌شدند، ربوده شده و به طور مخفیانه به مدت دو هفته در بوئنوس آیرس در بازداشت بوده است. در تاریخ ۲۶ ژوئیه نامبرده به همراه عده زیادی از افراد دیگر که تبعه اروگوئه بوده‌اند، به صورت غیرقانونی و پنهانی به این کشور منتقل شده‌اند و در آنجا به مدت ۳ ماه توسط نیروهای امنیتی ویژه در بازداشتگاه‌های سری بوده‌اند و در تمام طول این مدت که در حدود

شناخت که در خصوص نقض میثاق توسط نمایندگان و مأموران دولت اروگوئه در خارج از قلمرو سرزمینی آن بود. کمیته در خصوص قابل پذیرش بودن این شکایت خاطرنشان کرد، به رغم اینکه دستگیری و بازداشت اولیه خواهان در خارج از خاک کشور اروگوئه صورت گرفته، لیکن با عنایت به ماده ۱ پروتکل اختیاری اول و نیز با توجه به بند اول ماده ۲ میثاق مانعی جهت رسیدگی به این پرونده وجود ندارد. در این رابطه کمیته تصریح کرد که ماده ۱ پروتکل ناظر به رابطه‌ای است که باید میان قربانی و دولت ناقض وجود داشته باشد. همچنین کمیته با استناد به ماده ۵ میثاق^{۵۲} تأکید کرد، ارائه تفسیری از مفاد میثاق که به موجب آن دولت‌های عضو هیچ مسئولیتی در قبال اقدامات فراسرزمینی مأموران و نمایندگان خود که منجر به نقض تعهدات حقوق بشری آنها بر طبق میثاق می‌شود، نداشته باشند، مسلماً نامعقول و خلاف وجدان خواهد بود.^{۵۳} به طور کلی اگر مفهوم «صلاحیت» به گونه‌ای تفسیر شود که مسئولیت فراسرزمینی دولت‌های عضو به طور مطلق از دایره شمول میثاق مستثنی شود، این امر می‌تواند در عمل نتایج زیانبار و حتی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.^{۵۴}

علی‌رغم اینکه اعضای کمیته در نظرات خود در قضیه Lopez Burgos به تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها در قبال اتباع مقیم در خارج اشاره نمود، اما به نظر می‌رسد که حتی اگر خواهان این پرونده تبعه دولت اروگوئه هم نبود، باز هم تفاوتی در نتیجه این قضیه نمی‌کرد، زیرا عمل دستگیری و بازداشت فی نفسه افراد را تحت صلاحیت دولتی که نمایندگان و مأموران آن مبادرت به این عمل نموده است، قرار می‌دهد.^{۵۵} در نتیجه دولت اروگوئه در هر حال در قبال نقض تعهدات حقوق بشری بر طبق میثاق، در خارج از قلمرو

۴ ماه می‌باشد. وی تحت آزار و شکنجه جسمی و روحی شدید بوده و به اشکال مختلف از رفتارهای خشن و غیرانسانی مأموران در رنج بوده است.

HRC, Lopez Burgos v. Uruguay, (Comm. no. 52/1979), Views of 29 July 1981, para. 2.2.

۵۲. ماده ۵ میثاق مقرر می‌کند: «هیچ‌یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولت یا گروه یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضييع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است، مبادرت به فعالیتی کند و یا اقدامی به عمل آورد.» (گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مرکز مطالعات حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۸).

53. Lopez Burgos v. Uruguay, 1981, paras.12.1-12.3.

۵۴. اقدامات فراسرزمینی نیروها و مأموران دولت‌ها در راستای دستگیری، بازداشت و انتقال افراد از دیگر کشورها به کشور متبوع خود منجر به تحقق مسئولیت دولت‌ها می‌شود. (Mowbray, *op. cit.*, p. 67.)

55. McGoldrick, *op. cit.*, p. 62.

سرزمینی‌اش مسؤول می‌بود.^{۵۶}

مبحث چهارم: مسؤولیت دولت‌ها در قبال اقدامات دارای آثار فراسرزمینی

اجرای فراسرزمینی میثاق ممکن است در زمانی ضرورت پیدا کند که دولت‌های عضو اقداماتی را در داخل سرزمین خود انجام دهند که دارای اثر فراسرزمینی باشد، یک مثال قدیمی در این رابطه، زمانی است که یک دولت عضو اقدام به اخراج فردی از قلمرو سرزمینی و حیطة تحت صلاحیت خود و تحویل وی به کشوری می‌کند که در آنجا خطر واقعی (ضروری و قابل پیش‌بینی) مبنی بر وقوع رفتاری معارض با مفاد میثاق در قبال آن فرد وجود دارد.^{۵۷} رویه کمیته حاکی از آن است که دولت‌ها در قبال استرداد افراد به کشوری که در آنجا احتمال جدی مبنی بر نقض حقوق بشر آنها وجود دارد، صرف‌نظر از مسؤولیت دولت ناقض، دارای مسؤولیت جداگانه می‌باشند^{۵۸} و چنین اقداماتی که دارای آثار فراسرزمینی است، خود می‌تواند نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر طبق میثاق تلقی شود.^{۵۹}

56. Lopez Burgos v. Uruguay, 1981, paras. 12.3-12.4.

57. McGoldrick, *op. cit.*, p. 52.

58. در رویه کمیته پرونده‌هایی در رابطه با مسؤولیت دولت‌ها در قبال اخراج یا استرداد افراد به کشوری که در آنجا احتمال وقوع نقض حق حیات (ماده ۶) و منع شکنجه (ماده ۷) وجود داشته، مطرح شده است. اما بنا به اذعان نهاد مذکور، این اصل در مورد تمامی حقوق مندرج در میثاق قابل اعمال است. به طور نمونه در پرونده ذیل، کمیته بعد از انجام بررسی‌های لازم تأکید نموده که در زمان اخراج فرد از کشور مذکور، نقض اجتناب‌ناپذیر و قابل پیش‌بینی ماده ۱۴ (در خصوص حق دادرسی عادلانه) محرز نبوده است (A.R.J. v. Austria, 1997). همچنین در قضیه‌های ذیل، کمیته با اشاره به تعهدات دولت‌ها در قبال حمایت از افراد در برابر هرگونه نقض قریب‌الوقوع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آنها، تصریح نموده با توجه به جمیع شرایط موجود در پرونده، اخراج و استرداد افراد به رغم وجود احتمال قوی مبنی بر وقوع رفتار غیرانسانی، نقض ماده ۷ میثاق قلمداد می‌شود: G.T. v. Austria, Views of 4 November 1997; C. v. Austria, Views of 13 November 2003.

59. در قضیه Cox کمیته حقوق بشر از رویه دیوان اروپایی در قضیه Soering پیروی کرده است. در این قضیه دادگاه عالی کانادا تفسیر جدیدی در خصوص استرداد افراد در زمانی که احتمال نقض ماده ۶ وی وجود دارد، ارائه کرده است: «مروری بر عللی که له یا علیه استرداد بی‌چون و چرا ارائه شده، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که در تمامی موارد باید اطمینان حاصل شود که احتمال نقض حقوق بنیادین فرد مسترد شده وجود ندارد.» Cox v. Canada, 1994, paras. 7-11.

کمیته حقوق بشر در قضیه Kindler^{۶۱} با استناد به ماده ۲ میثاق تصریح نموده که اگر یک فرد به طور قانونی از یک کشور اخراج یا مسترد شود، در آن صورت دولت مذکور دیگر مسؤولیتی در قبال نقض حقوق فرد در کشور مقصد نخواهد داشت، به عبارت دیگر دولت‌های عضو هیچ‌گونه تعهدی ندارند در قبال تضمین حقوق افرادی که تحت صلاحیت دیگر کشورها می‌باشند. با وجود این، اگر یک دولت عضو در خصوص افراد تحت صلاحیت خود تصمیمی اتخاذ نماید که نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن نقض حقوق اساسی آنها بر طبق میثاق در خارج از قلمرو تحت صلاحیت آن شود، شاید بتوان دولت مذکور را مسؤول دانست. بر همین مبنا اگر دولتی مبادرت به استرداد افراد به کشوری کند که در آنجا احتمال وقوع شکنجه و در نتیجه نقض قابل پیش‌بینی حقوق وی وجود دارد، مسؤول خواهد بود، به رغم اینکه نقض میثاق در قلمرو تحت صلاحیت آن دولت صورت نگرفته است.^{۶۱} ملاک قابل پیش‌بینی بودن ارتکاب نقض در کشور دیگر، در مواردی صراحتاً مورد توجه قرار گرفته، از جمله قاضی Yrigoyen در نظر انفرادی خود در قضیه Judge^{۶۲}، ضمن ابراز مخالفت با نظر اکثریت اعضا تصریح نموده است که افراد نباید در معرض نقض قابل پیش‌بینی حقوق توسط کشورهای دیگر قرار گیرند، حتی اگر حقوقی فراتر از حقوق مندرج در مواد ۶ و ۷ میثاق مطرح باشد.^{۶۳} منظور از «قابل پیش‌بینی بودن»^{۶۴} آن است که در

۶۰. خواهان در قضیه Kindler ادعا کرده که استرداد برنامه‌ریزی شده وی به ایالات متحده آمریکا توسط دولت کانادا، که احتمال نقض حق حیات در کشور مقصد را می‌داده است، نقض محرز میثاق تلقی می‌شود. دولت کانادا نیز در اظهارات خود تصریح نموده که آنچه مورد شکایت واقع شده، اساساً ناشی از اقدامات دولت دیگر بوده، کمیته نیز ضمن رد اظهارات دولت کانادا، دولت‌های عضو را در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت متعهد دانسته است (Kindler v. Canada, 1993, para. 6.2.).

61. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 95.

۶۲. در قضیه Judge دولت کانادا به دلیل استرداد خواهان به کشور ایالات متحده آمریکا که در آنجا احتمال نقض مواد ۶ و ۷ میثاق در مورد وی وجود داشته، مورد شکایت قرار گرفته است. مبنای ادعای خواهان نیز این بوده که وی در کشور آمریکا امکان تجدیدنظرخواهی در خصوص حکم صادره مبنی بر مجازات اعدام را به دلیل انقضای موعد قانونی مقرر جهت تجدیدنظرخواهی نداشته است و دولت کانادا به رغم اطلاع از این مسأله، اقدام به استرداد این فرد کرده است، بنابراین دولت کانادا در قبال نقض بند ۵ ماده ۱۴ میثاق نیز مسؤول است، البته کمیته این را نپذیرفته و دولت کانادا را در این خصوص مسؤول ندانسته است. اما در مورد نقض حق حیات خواهان، دولت کانادا را مسؤول دانسته است (Judge v. Canada, 2003.).

63. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 96.

۶۴. در قضیه G.T. v. Austria دولت اتریش اقدام به بازگرداندن فردی به کشور سومالی کرده که در آنجا احتمال نقض حق دادرسی عادلانه وی بر طبق ماده ۱۴ میثاق وجود داشته است و کمیته با استناد به اینکه نقض مذکور به

زمان استرداد یا اخراج، نقض حقوق مورد بحث در کشور مقصد در حال وقوع باشد، حتی اگر نتیجه مذکور در خصوص این فرد در عمل به وقوع نپیوندد.^{۶۵}

بر طبق تفسیر کلی شماره ۳۱ کمیته حقوق بشر، بر طبق ماده ۲ میثاق دولت‌های عضو متعهدند که از هرگونه استرداد، اخراج یا انتقال افراد از سرزمین خود به کشور دیگری که در آنجا خطر واقعی مبنی بر صدمه و آسیب جبران‌ناپذیر ناشی از نقض مواد ۶ و ۷ میثاق وجود دارد، خودداری کنند.^{۶۶} کمیته در ملاحظات نهایی خود در خصوص گزارش دولت ازبکستان تصریح نمود که دولت‌های عضو باید تضمین کنند، کلیه افرادی که ادعا می‌کنند در کشور مقصد مورد شکنجه یا رفتارهای خشن و غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار می‌گیرند، باید از حمایت‌های لازم از طریق عدم استرداد و یا عدم اخراج برخوردار باشند.^{۶۷}

مبحث پنجم: اعمال

فراسرزمینی میثاق در قبال اتباع مقیم خارج

موضوع و هدف معاهدات حقوق بشری، حمایت از حقوق بنیادین افراد بدون توجه به تابعیت آنها، در برابر کشور متبوع و دیگر کشورهای عضو می‌باشد.^{۶۸} رویه کمیته در خصوص بند اول ماده ۲ میثاق حاکی از آن است که هر دولتی در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت خود متعهد به تضمین و احترام به رعایت حقوق به رسمیت شناخته شده در این سند می‌باشد. همچنین بر طبق ماده ۱ پروتکل اختیاری اول، افراد باید در زمان وقوع نقض، تحت صلاحیت دولت‌ها باشند، صرف‌نظر از اینکه تبعه دولت مورد شکایت هستند یا اینکه از اتباع بیگانه مقیم در آن کشور هستند.^{۶۹}

کارهای مقدماتی میثاق به خوبی نشان می‌دهد که هدف و قصد تدوین‌کنندگان از به

طور معقول از سوی دولت اتریش قابل پیش‌بینی نبوده، شکایت را غیرقابل پذیرش اعلام کرده است.

(G.T. v. Austria, 1997.)

65. Kindler v. Canada, 1993, paras. 6.2-6.3.

66. ICCPR, General Comment no. 31, para. 10.

67. دولت ازبکستان در گزارش خود توجه کمیته را به این نکته جلب نموده که بر طبق مقررات این کشور، هیچ‌گونه ممنوعیتی در خصوص استرداد یا اخراج افراد از این کشور و تحویل آنها به کشورهایی که در آنجا احتمال اجرای شکنجه و دیگر رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده وجود دارد، وضع نشده است.

(UN Doc. CCPR/Co/71/UZB (2001)).

68. سیدمحمد قاری سیدفاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۱۸۵.

69. Massioti and Baritussio v. Uruguay, 1982, para. 7.1.

کار بردن عبارت «تحت صلاحیت» محدود نمودن تعهدات دولت‌ها به قلمرو سرزمینی کشورهای عضو نبوده است، بنابراین دولت‌ها در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت از جمله اتباع خود که در خارج اقامت دارند، تعهدات حقوق بشری دارند.^{۷۰}

الف) حق تردد آزادانه و صدور گذرنامه بر طبق ماده ۱۲

بر طبق ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هر کس حق عبور و مرور آزادانه از هر کشوری از جمله کشور خود را دارا است و دولت‌ها مجاز به محدود نمودن این حق نمی‌باشند مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده است. بنابراین دولت در قبال اتباع مقیم در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان نیز متعهد به تضمین حق تردد آزادانه و صدور گذرنامه بر طبق ماده ۱۲ می‌باشند.

۱- قضیه Lichtenszte

در قضیه Lichtenszte دولت اروگوئه از صدور مجدد گذرنامه در خصوص یکی از اتباع خود که در مکزیک اقامت داشته، امتناع ورزیده است.^{۷۱} استدلال دولت اروگوئه در خصوص این اقدام خود آن بوده که نامبرده حداقل شرایط لازم را برای آنکه تحت صلاحیت این دولت قرار گیرد، رعایت ننموده است و دلیل عمده دولت مذکور نیز این بوده که نامبرده در زمان طرح و تسلیم این شکایت در خارج از قلمرو سرزمینی این دولت قرار داشته است.^{۷۲} کمیته حقوق بشر در پاسخ به استدلال دولت اروگوئه، ضمن تأیید این مطلب که مسأله صدور گذرنامه بی‌تردید، موضوعی در حیطه صلاحیت دولت‌ها است و به همین منظور افراد باید ضوابط اعلام شده از سوی دولت‌ها را رعایت نمایند، با اشاره به ماهیت حق مندرج در بند ۲ ماده ۱۲ میثاق، تأکید کرده که دولت‌ها بر طبق این ماده، در قبال اتباع مقیم در خارج از قلمرو سرزمینی خود و نیز اتباع بیگانه‌ای که در خاک آنها اقامت دارند، دارای تعهداتی می‌باشند. به همین دلیل بند اول ماده ۲ در خصوص قلمرو

70. *Ibid.*, paras. 7.2-7.3.

۷۱. در قضیه Lichtensztejan خواهان پرونده یک تبعه اروگوئه‌ای بوده که از سال ۱۹۷۴ در مکزیک اقامت نموده است و در سال ۱۹۷۸ که جهت تمدید گذرنامه خود به منظور برخورداری از حق تردد آزادانه به دولت اروگوئه مراجعه نموده و این دولت از صدور مجدد آن امتناع ورزیده است. (Lichtensztejn v. Uruguay, 1983).

72. Lichtenszte v. Uruguay, 1983, para. 4.

تحت صلاحیت دولت‌های عضو نباید به گونه‌ای تفسیر شود که تعهدات دولت اروگوئه بر طبق بند دوم ماده ۱۲ را محدود به اتباع واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها نماید.^{۷۳} کمیته حقوق بشر در این قضیه با استناد به ماهیت حق تردد، لزوماً «تحت صلاحیت» بودن را مترادف با «واقع بودن در قلمرو سرزمینی» دولت‌های عضو ندانسته است.^{۷۴}

۲- قضیه Montero

در قضیه Montero شاکی تبعه دولت اروگوئه بوده که در آلمان سکونت داشته است. گذرنامه وی توسط کنسولگری این کشور واقع در آلمان توقیف و مصادره شده و نامبرده در خصوص نقض حق تردد مندرج در ماده ۱۲ میثاق علیه دولت اروگوئه اقدام به طرح شکایت نموده است. به رغم اینکه اقدام دولت اروگوئه به توقیف گذرنامه خواهان در کشور آلمان صورت گرفته ولی کمیته عمل ارتكابی را تحت صلاحیت دولت اروگوئه قلمداد نموده است.

کمیته حقوق بشر، در قضیه Montero که علیه دولت اروگوئه مطرح شده، خاطرنشان کرده است که علی‌رغم اینکه خواهان در خارج از این کشور سکونت داشته، همچنان این نهاد صلاحیت دریافت و رسیدگی به این پرونده را بر طبق ماده ۱ پروتکل اختیاری اول و بند اول ماده ۲ میثاق دارد. در این قضیه، توقیف و مصادره گذرنامه فرد ولو اینکه در خارج از قلمرو سرزمینی این کشور به وقوع پیوسته، عملی تحت صلاحیت آن دولت تلقی می‌شود. در این قضیه هم دولت متبوع فرد (دولت اروگوئه) و هم دولت محل اقامت خواهان مسؤول شناخته شده‌اند.^{۷۵}

همچنین کمیته در پرونده‌های دیگری نیز تأکید نموده که تعهدات دولت‌های عضو بر طبق ماده ۱۲ میثاق صرفاً ناظر به اتباع ساکن در قلمرو سرزمینی دولت‌ها نمی‌شود. بلکه آنها در قبال اتباع خود که در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان سکونت دارند و نیز در قبال اتباع بیگانه که در خاک آنها سکونت دارند، متعهد به تضمین رعایت حق تردد آزادانه به نحو مقتضی می‌باشند.^{۷۶}

73. *Ibid*, para. 6.1.

74. McGoldrick, *op. cit.*, p. 95.

75. *Montero v. Uruguay*, 1983, paras. 4-7.

۷۶. مشابه استدلالی که کمیته در قضیه Montero کرده در پرونده‌های دیگری نیز دیده می‌شود. از جمله می‌توان به

Vidal Martins v. Uruguay, Views of 23 March 1982, paras. 12-17.

موارد ذیل اشاره نمود:

Nunez v. Uruguay, (Comm. no. 108/1981), Views of 22 July 1983.

ب) منع شکنجه و دیگر رفتارهای خشن و غیرانسانی بر طبق ماده ۷

منع شکنجه و دیگر رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده از جمله حقوق اساسی و بنیادین می‌باشد که در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۷ میثاق نیز ممنوعیت شکنجه بدون هیچ قید و شرطی بیان شده است. حق ممنوعیت شکنجه بر طبق ماده ۴ میثاق از جمله حقوق غیرقابل تعلیق است و دولت‌ها تحت هیچ شرایطی مجاز به نقض تعهدات حقوق بشری خود در این رابطه نمی‌باشند. همچنین کمیته منع شکنجه تعیین هرگونه قلمرو سرزمینی جهت ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در خصوص منع شکنجه را نپذیرفته و صراحتاً دولت‌ها را متعهد به اعمال فراسرزمینی این حق نموده است.^{۷۷}

۱- قضیه E. Quinteros

در قضیه E. Quinteros خواهان، تبعه دولت اروگوئه بوده که در زمان طرح شکایت در سوئد اقامت داشته است. نامبرده ادعا کرده که دخترش در زمان سکونت در کشور اروگوئه توسط نیروهای ارتش بازداشت شده و تحت شکنجه سیستماتیک و از پیش تعیین شده از سوی این نیروها قرار گرفته است، همچنین خود او نیز به دلیل عدم اطلاع از محل اختفای دخترش، قربانی نقض ماده ۷ میثاق در خصوص ممنوعیت شکنجه و هرگونه رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده و ماده ۱۷ میثاق در خصوص حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی از سوی دولت اروگوئه واقع شده است.^{۷۸}

در این قضیه خواهان پرونده، در خصوص نقض ماده ۷ (منع شکنجه) و نیز نقض ماده ۱۷ (حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی) علیه دولت اروگوئه اقدام به طرح شکایت نموده است.^{۷۹} عمده تمرکز کمیته در خصوص این قضیه آن بوده که آیا خواهان

77. Consideration of Reports Submitted by States Parties under Article 19 of the Convention - Conclusions and recommendations of the Committee Against Torture (CAT): United States of America, CAT/C/USA/Co/2, 18 May 2006.

78. E. Quinteros and M.C. Almeida De Quinteros v. Uruguay, 1983, paras. 1.7-1.9.

79. در قضیه E. Quinteros خواهان، تبعه دولت اروگوئه بوده که در زمان طرح شکایت در سوئد اقامت داشته است. نامبرده ادعا کرده که دخترش در زمان سکونت در کشور اروگوئه توسط نیروهای ارتش بازداشت شده و تحت شکنجه سیستماتیک و از پیش تعیین شده از سوی این نیروها قرار گرفته است، همچنین خود او نیز به دلیل عدم اطلاع از محل اختفای دخترش، قربانی نقض ماده ۷ میثاق در خصوص ممنوعیت شکنجه و هرگونه رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده و ماده ۱۷ میثاق در خصوص حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی از سوی دولت اروگوئه واقع شده است.

در زمان وقوع نقض تحت صلاحیت دولت اروگوئه قرار داشته است یا خیر.^{۸۰} کمیته در نظر نهایی خود در خصوص قابل پذیرش بودن پرونده تصریح نموده با توجه به اینکه خواهان در زمان وقوع نقض در اروگوئه زندگی می‌کرده، بنابراین تحت صلاحیت این دولت قرار داشته است.^{۸۱}

به طور کلی می‌توان گفت حقوق بین‌الملل بشر بر مبنای تابعیت بنا نهاده نشده است و شرط اعمال صلاحیت نیز که در اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته، بر همین مبنا بوده و در هر قضیه با توجه به شرایط و وضعیت حاکم بر آن باید ملاک متناسب جهت تحقق اعمال صلاحیت از جانب دولت‌های عضو به کار گرفته شود.^{۸۲}

۲- قضیه Miha

در قضیه Miha، خواهان متعاقب شکنجه و بازداشت غیرقانونی از سوی دولت متبوع خود یعنی گینه، به کشور اسپانیا رفته و ضمن قبول درخواست وی مبنی بر کسب تابعیت جدید از جانب دولت اسپانیا، تابعیت قبلی خود را از دست داده بود. کمیته با لحاظ اینکه خواهان در زمان وقوع بازداشت تحت صلاحیت دولت مورد شکایت بوده، این پرونده را قابل پذیرش اعلام کرده و صراحتاً اذعان نموده که تابعیت فرد در زمان وقوع نقض یا تغییر تابعیت بعد از آن هیچ تأثیری در حق طرح شکایت افراد ندارد.^{۸۳} به طور کلی می‌توان گفت بر طبق میثاق و پروتکل اختیاری اول، مسأله تابعیت و ملیت به عنوان ملاک مورد توجه قرار نگرفته است، بر همین مبنا تعهدات حقوق بشری دولت‌های عضو صرفاً منحصر به اتباع نمی‌باشد، بنابراین در زمانی که فرد تابعیت خود را تغییر می‌دهد، همچنان امکان طرح شکایت علیه دولت متبوع سابق وجود خواهد داشت.^{۸۴}

مبحث ششم: سایر موارد اعمال فراسرزمینی میثاق

در این مبحث اجرای میثاق در سرزمین‌های تحت استعمار، مسؤولیت دولت‌ها در قبال اقدامات فراسرزمینی اشخاص و مسؤولیت دولت‌ها در قبال اقدامات نهادهای بین‌المللی در

(E. Quinteros and M.C. Almeida De Quinteros v. Uruguay, paras. 1.7-1.9.)

80. *Ibid*, para. 2.

81. *Ibid*, para. 14.

82. McGoldrick, *op. cit.*, p. 59.

83. Miha v. Equatorial Guinea, 1994, paras. 95-97.

84. McGoldrick, *op. cit.*, pp. 58-9.

آرای صادره از سوی کمیته حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در سرزمین‌های تحت استعمار

به طور کلی رویه کمیته حقوق بشر ناظر به این است که اگر دولتی میثاق را تصویب کرده و به پروتکل اختیاری اول پیوسته و اعلامیه‌ای نیز مبنی بر عدم اجرای میثاق در مستعمرات صادر نکرده باشد، این دو معاهده را در مستعمرات نیز قابل اعمال می‌داند.^{۸۵} کمیته در قضیه Kouk koi^{۸۶} صراحتاً بر مسئولیت دولت‌های عضو در صورت نقض حقوق افراد در سرزمین‌های مستعمره تأکید نموده است. دولت پرتغال در اظهارات خود به رغم اینکه اعمال حاکمیت و صلاحیت بر ماکائو را پذیرفته، اما اعمال پروتکل الحاقی را بر این سرزمین نپذیرفته است.^{۸۷} کمیته حقوق بشر نیز ضمن رد اظهارات دولت پرتغال خاطر نشان کرده نمی‌توان با استناد به سکوت پارلمان این کشور در خصوص اجرای پروتکل اختیاری اول در سرزمین ماکائو به این نتیجه رسید که میثاق و پروتکل اختیاری لزوماً معاهدات جداگانه‌ای تلقی می‌شوند.^{۸۸} هدف اصلی از تصویب پروتکل، نظارت بر اجرای حقوق مندرج در میثاق می‌باشد، بنابراین عدم اجرای آن در بخشی از قلمرو تحت صلاحیت دولت‌های عضو (در صورت عدم اعمال شرط از جانب دولت‌ها مبنی بر عدم اجرای میثاق در سرزمین‌های تحت استعمار) نمی‌تواند مفروض باشد.^{۸۹}

ب) مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات نهادهای بین‌المللی

بر طبق حقوق بین‌الملل عمومی، سازمان‌های بین‌المللی مانند کشورها مسؤول اعمال

85. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 84.

۸۶. در قضیه Kouk Koi خواهان که در ماکائو اقامت داشته در خصوص نقض ماده ۱۴ میثاق (تضمین دادرسی عادلانه) اقدام به طرح شکایت علیه دولت پرتغال نموده است. ماکائو تا ۱۹ دسامبر ۱۹۹۹ از مستعمرات پرتغال بوده که متعاقب وقوع تحولات سیاسی در چین، اعلام استقلال نمود. بنابراین در زمان تسلیم دادخواست هنوز ماکائو تحت سلطه و حاکمیت پرتغال بوده ولی در زمان بررسی قابل پذیرش بودن پرونده، کشور ماکائو از سیطره استعمار پرتغال خارج شده بود. (Wan Kouk Koi v. Portugal, 2001).

۸۷. بنا به اظهارات دولت پرتغال پارلمان این کشور در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ به موجب قطعنامه ۴۱/۹۲، اجرای میثاق را در سرزمین ماکائو پذیرفته ولی در آن زمان هیچ صحبتی از اجرای پروتکل اختیاری اول به میان نیامده است.

(*Ibid*, para. 4.1.)

88. Wan Kouk Koi v. Portugal, 2001, para. 6.2.

89. *Ibid*, paras. 6.3-6.4.

خلاف بین‌المللی قابل انتساب به خود می‌باشند.^{۹۰} بر طبق ماده ۱۳ طرح راجع به مسئولیت دولت‌ها، نمی‌توان اعمال ارکان یک سازمان بین‌المللی را طبق حقوق بین‌الملل عمل کشورها محسوب نمود.^{۹۱} این امر پیامد ضروری شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی است. اما به هر تقدیر نظام این نوع مسئولیت تابع همان قواعد کلی مسئولیت کشورها می‌باشد.^{۹۲}

در پرونده‌ای که علیه دولت هلند و مربوط به یک سازمان بین‌المللی (EPO)^{۹۳} در کمیته حقوق بشر مطرح شده، خواهان با اشاره به اینکه پنج کشور عضو این سازمان میثاق را تصویب نموده و به پروتکل اختیاری اول نیز ملحق شده‌اند،^{۹۴} صلاحیت کمیته را در رسیدگی به این پرونده محرز دانسته است.^{۹۵} کمیته نیز با استناد به اینکه این نهاد فقط صلاحیت رسیدگی به موارد نقضی را دارد که تحت صلاحیت دولت‌های عضو ارتکاب یافته، این پرونده را غیرقابل پذیرش اعلام نمود و خاطر نشان کرد با توجه به اینکه شکایات و اظهارات مطروحه در این پرونده در خصوص رویه استخدام نیروی کار در یک نهاد بین‌المللی است، نمی‌توان موارد شکایت را تحت صلاحیت یا واقع در قلمرو سرزمینی دولت هلند و دیگر کشورهای عضو قلمداد نمود.^{۹۶}

نظر کمیته حقوق بشر در این پرونده، شگفتی برخی از مفسران را برانگیخته است، زیرا کمیته با استناد به اینکه یک سازمان بین‌المللی عضو میثاق نمی‌باشد، هیچ‌گونه صلاحیتی را

۹۰. اعمال خلاف بین‌المللی منتسب به سازمان‌های بین‌المللی دو دسته‌اند، یک دسته اعمال خود سازمان‌های بین‌المللی و دسته دیگر اعمال کشورهایی که به حساب سازمان‌های بین‌المللی رفتار می‌کنند (محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۴۲۲).

۹۱. بر طبق ماده ۱۳ طرح راجع به مسئولیت دولت‌ها، اقدام نهاد سازمان بین‌المللی، در صلاحیت مربوط به خود، فقط به صرف این واقعیت که در قلمرو دولت یا هر قسمتی از دیگر سرزمین‌های تحت حاکمیت آن صورت گرفته طبق حقوق بین‌الملل عمل آن دولت محسوب نمی‌شود.

۹۲. محمدرضا ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۴۲۳.

93. The European Patent Office (EPO)

۹۴. این پنج کشور عبارتند از: فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند و سوئد.

۹۵. در این قضیه خواهان در خصوص قوانین راجع به استخدام و اقدامات کارفرمای خود در سازمان ثبت اختراعات اروپا اقدام به طرح شکایت در کمیته حقوق بشر نموده است. خواهان در خصوص نقض جدی بند سوم ماده ۲۵ میثاق که مبین آن است که هر شهروندی باید از امکان دسترسی مساوی به خدمات عمومی به طور مساوی با افراد دیگر برخوردار باشد، علیه دولت هلند که این سازمان در آن به عنوان یک نهاد عمومی به فعالیت می‌پردازد، اقدام به طرح شکایت نموده است (H.v.d.P. v. The Netherlands, 1990, paras. 2.3-2.4).

96. H.v.d.P. v. The Netherlands, paras. 3.1-3.2.

در قبال اینگونه نهادها پذیرفته و این در حالی است که در دوران معاصر، گسترده شدن دامنه فعالیت و نیز افزایش قدرت و نفوذ برخی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا و نهادهای وابسته به آن، سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و حتی خود سازمان ملل موجب شده که دامنه الزام به رعایت تعهدات حقوق بشری نسبت به آنها نیز تسری پیدا کند.^{۹۷}

بنابر آنچه بیان شد، اعمال فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در رویه کمیته حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است و دولت‌های عضو در فراسوی مرزهای ملی خود متعهد به ایفای تعهدات حقوق بشری بر طبق میثاق می‌باشند.

نتیجه

اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری متضمن آن است که حمایت دولت‌ها از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد صرفاً محدود به قلمرو سرزمینی آنها نمی‌شود، بلکه دولت‌ها در خارج از خاک خود نیز در قبال نقض حقوق بشر افراد دارای مسئولیت می‌باشند، زیرا بنا به اذعان برخی از نهادهای حقوق بشری، اینکه دولت‌ها هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال نقض تعهدات حقوق بشری در فراسوی مرزهای سرزمینی‌شان نداشته باشند، نامعقول و خلاف وجدان خواهد بود. بنابراین ضرورت حمایت از افراد در برابر دولت‌ها که هدف اصلی معاهدات حقوق بشری است، ایجاب می‌کند که اجرای فراسرزمینی تعهدات دولت‌ها در این رابطه به رسمیت شناخته شود و دولت‌ها، نهادهای نظارتی و به طور کلی جامعه جهانی در راستای اجرای این امر مهم همت گمارند.

بر طبق بند اول ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌های عضو متعهد هستند که حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این سند را در قبال کلیه «افراد واقع در قلمرو سرزمینی» و «تحت صلاحیت خود» بدون هیچ‌گونه تبعیضی از هر حیث محترم شمرده و تضمین نمایند، تفاسیر ارائه شده از سوی کمیته حقوق بشر که نهاد ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد حاکی از آن است که تعهدات مندرج در این ماده ناظر به تمامی افراد واقع در قلمرو سرزمینی دولت‌ها و نیز کلیه افراد «تحت صلاحیت» دولت‌ها ولو در خارج از قلمرو سرزمینی آنها باشد. بنابراین اجرای میثاق در شرایطی که دولت‌ها مبادرت به اعمال صلاحیت بر افراد در فراسوی مرزهای ملی

97. Joseph, Schultz and Castan, *op. cit.*, p. 92.

خود می‌نمایند، به رسمیت شناخته شده است. در رویه کمیته حقوق بشر که نهاد ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد، اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر طبق میثاق مورد تصریح قرار گرفته که اهم موارد آن در ذیل ذکر می‌شود:

الف) وضعیت اشغال نظامی یک سرزمین خارجی توسط دولت‌های عضو: به طور نمونه کمیته حقوق بشر در ملاحظات نهایی خود در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، بر مسؤولیت اسرائیل در خصوص نقض حقوق اساسی و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده افراد بر طبق میثاق تأکید نموده است.

دوم) انجام عملیات حفظ صلح توسط دولت‌های عضو در خارج از قلمرو سرزمینی: بر طبق تفاسیر کلی و رویه کمیته حقوق بشر دولت‌های عضو در قبال اقدامات نیروهای مسلح خود که در خارج از خاک کشورشان به ایفاد مأموریت و وظایف رسمی مبادرت می‌نمایند، مسؤول قلمداد شده و در قبال نقض تعهدات حقوق بشری بر طبق میثاق دارای مسؤولیت خواهند بود. از جمله می‌توان به ملاحظات نهایی و توصیه‌های کمیته در خصوص مسؤولیت دولت بلژیک در قبال اقدامات نیروهای نظامی آن در کشور سومالی و مسؤولیت دولت هلند در قبال نیروهای حافظ صلح آن که در بحران‌های صربستان و بوسنی هرزگوین مشارکت داشته‌اند، اشاره نمود.

سوم) استرداد افراد به کشوری که احتمال نقض حقوق بشر فرد مسترد شده وجود دارد: کمیته در رویه خود صراحتاً دولت‌ها را در قبال این اقدام که دارای آثار فراسرزمینی بوده و منجر به نقض حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در میثاق توسط دولت دیگر در خارج از قلمرو سرزمینی دولت مستردکننده شده، مسؤول دانسته است.

چهارم) تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها در قبال اتباع مقیم در خارج: اجرای فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در خصوص اتباع مقیم در خارج از خاک آنها علی‌الخصوص در مورد برخی از حقوق به رسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به حق آزادی تردد بر طبق ماده ۱۲، ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده بر طبق ماده ۷ و منع هرگونه تبعیض بر طبق ماده ۲۶ اشاره نمود.

پنجم) اجرای فراسرزمینی میثاق در سرزمین‌های تحت استعمار: بر طبق رویه کمیته حقوق بشر، در صورتی که دولت‌ها میثاق را تصویب کرده و به عضویت پروتکل اختیاری اول درآمده و اعلامیه‌ای مبنی بر عدم اجرای میثاق در سرزمین‌های استعمار خود صادر نکرده باشند، متعهد به تضمین حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این سند در

قبال کلیه افراد تحت صلاحیت خود می‌باشند.

به طور کلی اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بر طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در تفاسیر کلی کمیته حقوق بشر، ملاحظات نهایی و توصیه‌های این نهاد در خصوص گزارش‌های دوره‌ای دولت‌های عضو و نیز آرای صادره از سوی این نهاد به رسمیت شناخته شده است.

با وجود این، از آنجایی که مقتضیات معاصر حاکم بر جامعه جهانی به دلیل گسترده شدن دامنه اقدامات دولت‌ها در فراسوی مرزهای سرزمینی‌شان، ضرورت اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را بیشتر نمایان می‌سازد، امید آن است که این اصل در اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها خصوصاً میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیش از پیش مبنای عمل قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. امیر ارجمند، ادشیر و دیگران، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (اسناد منطقه‌ای)، ج ۲، قسمت اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۵.
۲. تدینی، عباس، حقوق بین‌الملل عمومی (۱ و ۲)، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ بیستم، ۱۳۸۳.
۵. فلسفی، هدایت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، انتشارات فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹.
۶. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، اول، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۷. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین‌الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. گلان، گردهارد فن، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمدحسین حافظیان، ج دوم، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۹. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۰. والاس، ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۲.
11. Amnesty International, United States of America, Briefing to the Human Rights

- Committee with respect to its review of the state party's combined second and third periodic report on the implementation of the International Covenant on Civil and Political Rights, February 2006.
12. Bossyut, M., Guide to the '*Travaux Preparatoire*' of the International Covenant on Civil and Political Rights, Hugue, Nijhoof Publishers, 1997.
 13. Cassese, Antonio, International Law, Oxford, Oxford University Press, Second ed., 2005.
 14. Concluding Observation of Human Rights Committee on Serbia and Montenegro, UN Doc. CCPR/79/ Add. 16.
 15. Concluding Observations of Human Rights Committee on Belgium, UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 99.
 16. Concluding Observations of Human Rights Committee on Bosnia-Herzegovina, UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 14.
 17. Concluding Observation of Human Rights on Croatia, UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 15.
 18. Concluding Observation of Human Rights Committee on Israel (1999), UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 93.
 19. Concluding Observation of Human Rights Committee on Israel (2003), UN Doc. CCPR/CO/78/ISR.
 20. Concluding Observation of Human Rights Committee on Serbia and Montenegro, UN Doc. CCPR/CO/81/SEMO (2004)
 21. Consideration of Reports submitted by states Parties under Article 19 of the Convention Conclusions and recommendations of the Committee Against Torture (CAT): United States of America, CAT/C/USA/Co/2, 18 May 2006.
 22. Coomans, Fons and Kamminga, Menno T., Extraterritorial Application of Human Rights Treaty, Antwerp, Intersentia, 2004.
 23. HRC, *A.R.J. v. Austria*, (Comm. no. 692/1996), Views of 28 July 1997.
 24. HRC, *C. v. Austria*, (Comm. no. 900/1999), Views of 13 November 2003.
 25. HRC, *Colchuin v. Ireland*, (Comm. no. 1038/2001), Views of 17 April 2003.
 26. HRC, *Cox v. Canada*, (Comm. no. 539/1993), Views of 31 October 1994.
 27. HRC, *E. Quinteros and M.C. Almeida De Quinteros v. Uruguay*, (Comm. no. 107/1981), Views of 21 July 1983.
 28. HRC, *El-Megreisi v. Libyan Arab Jamahiriya*, (Comm. no. 44/1990), Views of 23 March 1994.
 29. HRC, *Gedumbe v. Democratic Republic of the Congo*, (Comm. no. 641/1995), Views of 9 July 2002.
 30. HRC, *G.T. v. Austria*, (Comm. no. 706/1996), Views of 4 November 1997.
 31. HRC, *Herrero Rubio v. Colombia*, (Comm. no. 197/1985), Views of 2 November 1987.
 32. HRC, *H.v.d.P. v. The Netherlands*, (Comm. no. 217/1986), Views of 8 April 1990.
 33. HRC, *Ibrahim Gueye v. France*, (Comm. no. 196/1985), Views of 6 April 1989.
 34. HRC, *Judge v. Canada*, (Comm. no. 829/1998), Views of 20 October 2003.
 35. HRC, *Keshavjee v. Canada*, (Comm. no. 949/2000), Views of 4 June 1996.
 36. HRC, *Kindler v. Canada*, (Comm. no. 470/1991), Views of 30 July 1993.
 37. HRC, *Kurbanov v. Tajikistan*, (Comm. no. 1096/2002), Views of 6 November 2003.
 38. HRC, *Lichtensztejn v. Uruguay*, (Comm. no. 77/1980), Views of 31 March 1983.
 39. HRC, *Lopez Burgos v. Uruguay*, (Comm. no. 52/1979), Views of 29 July 1981.
 40. HRC, *Massioti and Baritussio v. Uruguay*, (Comm. no. R.6/25/1978), Views of 28 July 1982.
 41. HRC, *Mbenge v. Zaire*, (Comm. no. 16/1977), Views of 25 March 1983.
 42. HRC, *Miha v. Equatorial Guinea*, (Comm. no. 440/1990), Views of 8 July 1994.
 43. HRC, *Montero v. Uruguay*, (Comm. no. 106/1981), Views of 31 July 1983.
 44. HRC, *Nevmerzhitsky v. Ukraine*, (Comm. no. 54825/00), Views of 5 April 2003.
 45. HRC, *Nunez v. Uruguay*, (Comm. no. 108/1981), Views of 22 July 1983.
 46. HRC, *Vidal Martins v. Uruguay*, (Comm. no. 57/1979), Views of 23 March 1982.
 47. HRC, *Wan Kouk Koi v. Portugal*, (Comm. no. 925/2000), Views of 22 October 2001.
 48. ICCPR, General Comment no. 6.
 49. ICCPR, General Comment no. 31.
 50. Joseph, S., Schultz, J., Castan, M. The International Covenant on Civil and Political Rights: Cases, Materials and Commentary, Oxford, Oxford University Press, Second ed.,

- 2005.
51. Jouannet Emmanuell, "Universal and Imperialism: The True-False Paradox of International Law?", *European Journal of International Law*, vol. 18, no. 3, 2007.
 52. Kunneman, Rolf, "Extraterritorial Application of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights", in Fons Coomans and Menno T. Kamminga, 2004, pp. 201-233.
 53. McGoldrick, Dominick, "Extraterritorial Application of the International Covenant on Civil and Political Rights", in Fons Coomans and Menno T. Kamminga, 2004, pp. 41-73.
 54. Meron, T., "Application of Multilateral Covenant to Occupied Territories", *American Journal of International Law*, vol. 72, 1978.
 55. Mowbray, Alastair, *European Convention on Human Rights*, Oxford, Oxford University Press, Second ed., 2007.
 56. Report on the Situation of Human Rights in Kuwait under Iraqi Occupation, Prepared by Mr. Walter Kalin, E/CN.4/1992/26.
 57. Scheinin, Martin, "Extraterritorial Effect of the International Covenant on Civil and Political Rights", in Fons Coomans and Menno T. Kamminga, 2004, pp. 73-83.
 58. Schwelb, "Civil and Political Rights-The International Measures of Implementation", *American Journal of International Law*, vol. 62, 1986.
 59. Security Council Resolution 1483 (2003).
 60. Simpson, A.W.B., *Human Rights and the End of Empire*, Oxford, Oxford University Press, 2001.
 61. Situation of detainees at Guantanamo Bay, Report of the Chairperson of the Working Group on Arbitrary Detention, Ms. Leila Zerrougui; the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers, Mr. Leandro Despouy; the Special Rapporteur on torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, Mr. Manfred Nowak; the Special Rapporteur on freedom of religion or belief, Ms. Asma Jahangir and the Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health, Mr. Paul Hunt, E/CN.4/2006/120, 15 February 2006.
 62. T. Zwart, *The Admissibility of Human Rights Petitions*, Ashgate, Dartmouth, 1998.
 63. UN Doc. A/6546 (1966)
 64. UN Doc. A/5655, Ch. II (1963)
 65. UN Doc. A/2929, Ch. V (1955)
 66. UN Doc. A/C.3/SR.1257-1259
 67. UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 78
 68. UN Doc. CCPR/C/79/ Add. 88
 69. UN Doc. CCPR/CO/75/MDA
 70. UN Doc. CCPR/CO/72/NET
 71. UN Doc. CCPR/CO/71/UZB
 72. UN Doc. S/1999/957

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VIII, No. 2

2009-2

Articles

- Access to Legal Assistance in Police Investigations
- The Right of Buyer for Deficiencies of Goods
- Civil Responsibility Concerning Natural Incidents
- Revocation of Labor Contract according to the Law of Iran
- The Extra-territoriality of the International Covenant on Civil and Political Rights
- Secured Information System in Electronic Commerce Law
- Contradictory Approaches to the Right of Self Determination
- Some Considerations on the Constitutional Council of the French Republic
- "Fair and Just" Treatment of the Host State concerning the Foreign Investment Contracts
- Compensation for the Breach of Foreign Investment Contracts
- The UN International Law Commission and the Common Natural Resources

Special Issue: Oil and Gas Law in National and International Systems

- The Companionship of the Energy Sector and WTO Regulations: Facts, Challenges and Prospects
- Stabilization Clause in the Sample Contracts of Detection and Derivation of Petroleum
- Oil Companies in Iran and the Problem of Diplomatic Protection
- Private Ownership in the Case of Oil and Gas Resources under the USA Law
- Investment Dispute Settlement in Energy Charter Treaty (ECT) and Legal effects of Iran's Accession thereto

Critique and Presentation

- A Critical Analysis of 'The Procedure Act of the Administrative Court of Justice'
- Some Critics on the Parliament's Draft Concerning Change of the UN's Headquarter
- Copenhagen Conference (2009) and Combating the Climate Change

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study